خراسان بزرگ:سال سوم،شماره(۹)، زمستان۱۳۹۱
Quarterly bulletin of Greater Khorasan: Vol.3, No. 9, Winter 2013

بررسی انگاره های نوگرایی شهری و نمودهای آن در شهر مشهد در دوره پهلوی اول

دکتر غلامرضا لطیفی [۱]، دکتر محمد شیخی [۲]،ایمان قلندریان [۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۹/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۵

چکیده:

شهرها بستر شکل گیری تفکرات حاکم بر جامعه و یکی از قالب های فیزیکی شکل گیری و توسعه روابط بین افراد جامعه می باشــد. تغییراتی که در طی زمان در شهر رخ می دهد بازتابی از نوع زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در آن برهه خاص است.

در این میان، گاهی تغییرات شهری وسیع و گسترده می شــود. دوران رضا شاه در ایران که مصادف با دهه اول و دوم قرن حاضر بوده، نقطه عطفی در تاریخ شهرنشــینی ایران می باشد. مفاهیمی که از تفکر نوگرایی در غرب نشات گرفته است در این زمان وارد جامعه می گردد.

وی با توجه به نــگاه خاص خود بافت های قدیم شــهر ها را مورد مداخله قرار می دهد و ســازمان و ساختار شهری را تغییر داده و به دنبال ایجاد مرکزی جدید برای شهرها می باشد.در این پژوهش پس از بررسی ماهیت مدرنیسم و انگاره های آن در شــهرهای اروپایی به بررسی تغییرات شهری در شهر مقدس مشــهد می پردازیم و تغییرات رخ داده شده در این باره را بر اســاس مفاهیم بیان شده تبیین خواهیم نمود.

واژگان کلیدی : مشهد، رضا شاه، مدرنیسم، مدرنیزاسیون

۱ عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۲ عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی
۳ نویسنده مسئول کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای.
Iman-ghalandarian@gmail.com

مقدمه

در مورد اینکه تفکر مدرنیسم از چه زمانی شروع شده است، میان محققان توافق وجود ندارد و پنج مقطع تاریخی ذکر شده است. برخی اواخر قرن پانزده ام میلادی را آغاز آن دانسته اند. گروهی، دکارت را آغاز گر این عصر می شمرند، که در این صورت قرن هفدهم میلادی، مبدا مدرنیته خواهد بود. بعضی بر این باورند که انقلاب فرانسه و آمریکا یعنی قرن هجدهم، مبدا این دوره بوده است. برخی نهضت روشنگری در آلمان را که متعلق به قرن هجدهم است مدرک قرار داده و پاره ای مدرن را به اوایل قرن نوزدهم نسبت داده و البته هریک برای خود دلایلی ارائه کرده اند.[۱] با این حال می توان بیان کرد نوزایی زاییده ی نگاه اومانیستی انسان به هستی و نیز برداشتی از مدرنیته است. مدرنیته را با تمدن انسان محور یکی می کنند و اومانیسم را به عنوان الگوی رفتاری مدرنیته بیان می کنند. پس دور از واقعیت نیست اگر آغاز روزگار مدرن را با شکل گیری نگاه اومانیستی پس از رنسانس در میان انسان ها همزمان بدانیم.[۲]

می توان به چهار عامل اصلی که به ایجاد مدرنیسم منجر شده است به شرح ذیل اشاره کرد:

عامل مذهبی- اعتقادی (اندیشه های پروتستانیزم)، عامل اقتصادی (اندیشه های جان ماینارد کینز) ، عامل صنعتی و تکنولوژیکی (انقلاب صنعتی و آثار آن) و در نهایت نیاز به بازسازی های وسیع پس از جنگ های جهانی.[۳]

در وهله ی اول، مکتب تجدد را باید ناشی از تولد مذهب پروتستانیزم دانست. این مذهب در سال ۱۵۲۹.م در اروپا شکل گرفت و در سال ۱۷۸۹.م دوباره احیا شد حقیقت معماری جدید در سنت پروتستان ها نهفته بود که حقیقت را صداقت و زیبایی می دانستند. از نظر آنها این صادقانه و زیبا بود که مصالح را آنچنان که هست به صورت کاملا طبیعی و با ویژگی های خاص آن نشان دهند. این امر مبتنی بر دستورات مسیحیت است که انسان ها را به مزین نمودن خود به حق تشویق می نماید. امر مذکور در معماری، در نهایت به حذف عناصر غیر عملی و بی فایده مانند تزئینات منجر شد، درست مانند حیوانات که به مرور زمان عناصر و ارگان های غیر ضروری آن ها از بین می رود. به این ترتیب می توان گفت که ساده گرایی و اقتصادی عمل کردن یکی از ارکان تفکر پروتستان ها و بنابرین یکی از اصلی ترین اصول مورد توجه نوگرایان بود.[۴]

در وهله ی دوم، تجدد گرایی تنها می تواند تحت سیطره ی یک نظام سرمایه داری تحقق یابد، نظامی که ایده های شکل گیری آن پیش از این توسط اقتصاددان مشهور قرن ۱۹و ۲۰، یعنی کینز، مطرح شده بود؛ نظامی که توسعه و پیشرفت آن از راه یک بازار آزاد گسترده و با شکل گرفتن سازمان های مبادلاتی عظیم و کلان پیکر میسر بود. به طور کامل مشخص است که چنین نظامی برای هدایت توسعه با روح یاد شده ی حاکم بر پروتستانیزم همسو است. دو پس زمینه ی تاریخی- مذهبی و تاریخی- اقتصادی، بستر هایی مناسب برای شکل گیری یک مکتب فراگیر در تمام ابعاد مطروحه هستند.[۵]

علاوه بر عوامل ذکر شده، ظهور انقلاب صنعتی با دگرگونی های اساسی که در وهله ی اول در اواسط قرن هیجدهم در انگلستان و با کمی تاخیر در سایر ممالک در زمینه ی افزایش جمعیت، افزایش تولیدات صنعتی و ماشینی شدن سیستم های تولیدی اتفاق افتاد، همراه بود[۶] و اینها به نوبه ی خود تغییرات شگرف زیادی را در شهرها ایجاد کرد. تولید انبوه کارخانجات، شهرهای صنعتی را به کندوهایی تاریک، دود زا و پرسرو صدا تبدیل کرد.

ساختمان ها و تاسیسات عظیمی تقریبا یک شبه برپا می شد. مردم عجولانه می ساختند و فرصتی برای اصلاح اشتباهات خود پیدا نمی کردند.[۷] به علاوه نیاز به نیروی کار فراوان در کارخانجات منجر به مهاجرت های در مقیاس وسیع از روستاها به شهرها شد که این خود حجم عظیمی از ساخت و سازها را به وجود آورد که البته ویرانی های زیاد پس از جنگ های جهانی و نیاز به بازسازی شهرها در مقیاس وسیع به این موضوع دامن می زد.

همه ی این عوامل دست در دست هم داد و باعث شد شهرها با سرعت تمام شروع به رشد کنند، به طوریکه شهر نیویورک محدوده ی خود را بین سال های ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ از ۲۷ مایل مربع به بیش از ۳۰۰ مایل مربع گسترش داد. طی همین پنجاه سال اراضی درون محدوده شیکاگو همانند قارچ

---

۱ جابری مقدم مرتضی، شهر و مدرنیته(تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶) ص ۲۹.

۲ پاکزاد جهانشاه، سیر اندیشه ها در شهرسازی از آرمان تا واقعیت، ج۱ (تهران: وزارت مسکن و شهرسازی،۱۳۸۶) ص ۷

۳ بحرینی حسین، تجدد فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی(تهران: نشر دانشگاهی،۱۳۸۷) ص ۱۵

٤ حسین بحرینی و بهناز تقابن، تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، (تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸) ص ۱۰۵

٥ بحرینی، ص۱۶

٦ لئوناردو بنه ولو، بنیادهای شهرسازی مدرن، ترجمه مهدی کوثری(تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۵۸) ص ۷

۷ براون لانس جی و دیگران، طراحی شهری برای قرن شهری مکان سازی برای دیگران، ترجمه حسین بحرینی(تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹) ص ۶۵

گســـترش یافته از ۱۰ مایل به ۱۸۵ مایل گسترش یافت.[۱] همهی ایـــن تغییرات موجب گشـــت که شـــهر در قرن ۱۹ســـیمای خاصی پیدا کند که برای افـــرادی که در آن ســـاکن بودند چونان پدیده ای خارجی جلوه می کرد. این افراد شهر را در مقابل خود چون پدیده ای طبیعی، شگفت انگیز و بیگانه و در حال تغییرات سریع می یافتند.[۲]

می توان چنین بیان کرد که ظهور انقلاب صنعتی و پیامد های ناشـــی از آن ویژگی های خاصی را در شـــهرهای اروپایـــی ایجاد کرد که تـــا قبل از این زمـــان، چنین حاد نبودند. این ویژگی ها عبارتند از:

وضعیت نامناســـب بهداشـــت: شـــرایط بهداشتی اسف بار شـــهرهای صنعتی اروپا در قـــرن ۱۹، اظهار نظر های بســـیاری را در ایـــن زمینه بـــه دنبال داشـــت. پاکیزگی شهرهای آینده، به صورت یک آرمان، از سوی بسیاری از نظریه پردازان مورد تاکید قرار گرفت. بر این اساس سعی شـــد که مواردی همچون دسترسی به نور مطلوب، هوای پاک و تطابق با معیار های پزشـــکی، سرلوحه ی کارهای طراحی قرار گیرد.[۳]

عدم وجود عدالت: شـــرایط نابرابر اقتصادی شـــهرهای صنعتی، بهره کشـــی از طبقه ی مستمند جامعه و فلاکت آن ها، از مهم تریـــن عواملی بود که باعث شـــد، برآورده شـــدن حداقل نیاز ها (به خصوص در زمینه ی مســـکن) برای تمام افراد جامعه به صورت یک آرمان مطرح شود.[۴]

گسترش علم و تکنولوژی: پیشـــرفت تکنولوژی، علم و به وجود آمدن مصالح جدیـــد و تحولات انقلاب صنعتی، وســـائل و ابزار مکانیکی جدیدی را در اختیـــار گذارد، که امکان تولید سهل تر، بیشتر و ارزان تر را فراهم ساخت. به وجود آمدن مصالح جدیدی همچون آهن و شیشه و بتون مســـلح امکانات بی ســـابقه ای را در تولید انبوه در اختیار معماران و مسئولین قرار داد.[۵]

تغییـــرات ســـریع:دوره ی ابتدایـــی تجـــدد، دوران آغاز دگرگونـــی ادراک زمانی- فضایی بـــود. اختراعاتی مانند ساعت، تلفن، بی سیم و از همه مهم تر اتومبیل باعث شد که انسان به چیز هایی دست یابد که به نظرش غیر ممکن است. حاصل این پدیده ها، پرورش یافتن رویای آینده ای سرشار از تنوع و رفاه بود. به این ترتیب سرعت، به عنوان قابلیت دگرگونی آینده و توجه به آن به عنوان یک ارزش مطرح شد.[۶]

با توجه به همه ی عوامل ذکر شـــده تفکر مدرنیسم شکل گرفت کـــه دارای ویژگی هایی نظیر عقـــل گرایی، نظام مندی، سنت ســـتیزی، واقعیت گرایی، انســـان گرایی، نوگرایی، جهان شـــمولی، علـــم گرایـــی، نوطلبی، فن سالاری، سلســـله مراتبی، در خدمت شـــکل قرار گرفتن عملکرد، حذف تزیینات و تولید انبوه و ارزان بود.

پس از شـــکل گیری نوگرایی، مفاهیمی گسترش یافت که تلاش در جهت درک درســـت آنها به برداشت صحیح از مدرنیســـم منجر شـــد. مفاهیمی چون مدرنیزاسیون، مدرنیته، مدرنیسم و مفاهیمی نظیر اینها.

لفظ مشترک میان واژه های مورد نظر، لغت مدرن است. اصطلاح مدرن مشـــتق از ریشه ی لاتین (MODO) به معنای امروزی اســـت. این واژه در دوره ها و مکان های مختلف برای متمایز کردن شیوه های معاصر از سنتی به کار رفته است.[۷]

مدرنیته (تجدد- نوخواهی) را می توان مجموعه فرهنگ و تمدن اروپایی از رنسانس به این ســـو دانست و یا آن را امروزگی (امروزی شدن)، نوخواهی و تجدد نامید.۸

مدرنیســـم بـــا مدرنیتـــه تفـــاوت دارد. مدرنیســـم (modernism) نوعـــی ایدئولوژی اســـت که در پی جایگزین کردن نو به جای کهنه اســـت و نو مدرن را برتر از کهنه می داند.[۹] در واقع مدرنیسم به دوره ای اطلاق می شود که در آن آرمان های بورژوایی، جهان اندیشی، علم باوری، کلی گرایی، فراروایت ها، سلســـله مراتب، فشار و نظامی گری حوزه های گسترده ای را در جهان و پهنه ی زندگی تشکیل می داد.[۱۰]

مدرنیزاسیون در پی آن است تا بیان کند که الگوی توسعه غربی و سرمایه داری بر ســـایر راه ها تفوق و برتری دارد و بنابراین همـــه جوامع باید در این جهـــت حرکت کنند. طبیعی اســـت که در این فرایند، غالب نتایج، قابل لمس و مشـــاهده در کمترین مدت زمانی اتفاق می افتد. رشـــد

۱ (همان، ص۶۵)
۲ شوای فرانسواز،شهرســـازی تخیلات و واقعیات، ترجمه محسن حبیبی(تهران: نشر دانشگاهی۱۳۸۴) ص ۷۸
۳ (همان، ص ۸۹)
٤ لوکوربوزیه، منشـــور آتن، ترجمه محمد منصور فلامکی(تهران: نشر فضا، ۱۳۸۵) ص ۶۴
۵ بحرینی، ص ۱۵
٦ مزینی منوچهر، از زمان و معماری(تهران: نشر مطالعات معماری و شهرسازی، ۱۳۸۲) ص ۶۵
۷ کهون لارنس، از مدرنیسم تا پســـت مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان(تهران: نشر نی، ۱۳۸۱) ص ۱۱
۸ شکویی حسین، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱(تهران: نشر گیتا شناسی، ۱۳۸۰) ص ۱۳۵
۹ بهنام جمشید، تمدن و تجدد (تهران: نشر دانشگاهی ، ۱۳۸۲) ص ۳۲
۱۰ شکویی، ص۶۳

بهداشت، رشـــد فناوری و اثر بخشی آن در سایر زمینه ها، سرعت در تولید، تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی، توسعه شهرها، ایجاد و توســعه شــبکه ارتباطی و بزرگ راه ها، ایجاد شـــهرک های اقماری و حومهی شهرها، بلند مرتبه سازی و... از این دست است.[۱]

ویژگی های شهرهای مدرنیستی

تفکر مدرنیسم در شهرسازی -مانند سایر حیطه ها- ورود یافت و تاثیرات خود را بر برنامه ریزی و طراحی شــهری گذاشــت. کنگره های بین المللی معماری مدرن(سیام) تشکیلاتی بودند که در ســال ۱۹۲۸ در شاتودولاساراز در ســوئیس بنیان گذاری گردیدند.این کار حرکتی در جهت اعمال گرایشات مدرنیســتی در الگوهای برنامه ریزی و تعمیم روش های جدید تصمیم گیری به شمار می رفت.

در میان کنگــره های معمــاری مدرن، کنگــره ای که بیش از همه مســائل شــهرها را به طور منطقی تئوریزه کرد و حداقل چندین دهه علاوه بر شــهرهای اروپایی و آمریکایی، شهرهای جهان سوم را نیز تحت تاثیر قرار داد، کنگره چهارم با عنوان شــهر کارکردی بود. این کنگره در ســال ۱۹۳۳ به نام سیام در شــهر آتن برگزار شد و بر اساس بیانیه ای به نام منشور آتن شــهرها می توانستند چهار عملکرد حیاتی مسکن، کار، تفریح و ارتباطات را در بطن خود داشته باشد.۲ در منشــور آتن با مطالعه و تجزیه و تحلیل شهرها در قیاس با هم، اعضای کنگره توانستند اساس شهرسازی معاصر را پیریزی کنند و آن را بصورت قطعنامهای به رشتهی تحریر در بیاورند.

این تفکر نگاهی ابزارگونه به انسان داشت و تمامی انسان ها را دارای نیازهای مشخص و معینی می دانست. مفاهیم جدیدی نظیر منطقه بندی، بافت شــطرنجی و یکســان سازی از جمله کلیدواژه هایی بود که با تسلط این رویکرد و با اعمال شــیوه های اجرایی و عملیاتی جدید، خود را در نظام های فضایی شهری و منطقه ای نشان داد.

پس از جنگ جهانی دوم(۱۹۳۹ - ۱۹۴۵) طیف جدیدی از اقبال به تفکر جزء گرا را با تســلط فلسفه ی عقلانی بر فرآیند های برنامه ریزی در مناطق شــهری و منطقه ای ایجاد کرد. خسارات ناشــی از جنگ، آوارگی و مهاجرت به مناطق شهری، ضرورت توجه به اصول نوین توسعه و پیشــرفت و اقتدار دولت در ایجاد رفاه اجتماعی و مسائلی نظیر آن موجب شد که تدوین طرح هایی یکسان و جامع در جهت پاســخگویی به معضلات ایجاد شده در مناطق شهری در دستور کار برنامه ریزان قرار گیرد. اصول عینی این رویکــرد در قالب طرح های جامع شــهری نمود پیدا کرد.بسیاری از شــهرهای رو به رشد برای سامان بخشی به ناهنجاری های پیش روی خود تدوین طرح های جامع را تدارک دیدند. در این طرح ها کارشناسان با تعمیم درک خود از ماهیت نواحــی زندگــی، کار و فعالیت و ضرورت ایجاد نظامــی منطقی-ارتباطی بین آن هــا و با تکیه بر اصول فکری عقلانی عرصه هایی را در شهرها و محدوده های سکونتی پیشــنهاد کردند که هر یک مبنای اقتصاد مکانی فعالیت را در جهت بهره وری بیشتر مد نظر داشت. مناطق سکونت از مناطق فعالیت جدا شده و عرصه های تعریف شدهای برای هر یک پیشنهاد شد.[۳]

آرمان ها و اصــول و روش های طراحی تجدد، در بســتر شرایط محیطی، زمینه ســاز ظهور ویژگی های جدیدی شــد که تا پیش از آن در شــهر هــا وجود نداشــت. این ویژگیها عبارتند از:

آســمان خراش ها: آســمان خراش را قطعــا می توان بارزترین ســمبل معماری و شهرســازی جدید دانست. بدون آســمان خراش ها و بدون ابداعــات تکنولوژیکی که آنها را ممکن می ســاخت اغلب مفاهیم نوینی که در دهههای اول این قرن به وجود آمد بی معنی خواهد بود.[۴]

آســمان خراش ها به اندازه ی کافی بزرگ نیستند، این جمله ای بــود که لوکوربوزیه در بازدیــد خود از نیویورک (۱۹۳۷) در مورد ساختمان های بلند آن شهر به زبان آورد. او پیش تر نمونه ی آســمان خراش های مطلوب خود را، در شــهر معاصر، ارائه کرده بود و نگاهی شاعرانه به این ساختمان های غول پیکر داشت. ظهور اینگونه ساختمان ها، پاســخی بود به لزوم اســکان های بزرگ مقیاس و همچنین هزینه هــای بالای تملک زمین که دســتاورد های فنــی آن روزگار، پشــتوانه ی تحقــق یافتن این ســاختمان ها را فراهم می کرد.۵ لوکوربوزیه از پیشرفت فن ساختمان خشــنود بود و امکان ایجاد ساختمان های بلند مرتبه را راهکار مناســبی در راســتای ایجاد آرزوی یکصد ســاله ی اروپاییان برای نور و تهویه می دانســت و معتقد بود که ارتفاع ساختمان دســتاوردی است که راه حل برخی از بزرگترین مسائل شهرســازی جدید را در بر

۱ بهنام، ص ۳۲

۲ وحیــد وحدت زاد، تاملــی بر شهرســازی دوره پهلوی اول فصلنامه هنرهای زیبا، ش ۳۱،(۱۳۸۶) ص ۸۵

۳ پرویز اجلالی و دیگران، نظریه برنامــه ریزی دیدگاه های سنتی و جدید(تهران: نشر آگه، ۱۳۹۱) ص ۱۵۵

٤ بحرینی، ص ۲۰

۵ حسین بحرینی و بهناز تقابن، ص ۱۰۹

می گیرد مانند امکان برخورداری بیشـــتر از طبیعت یعنی آفتاب، فضا و فضای سبز. ۱با وجود همه ی تفکرات مثبت پیرامون آسمان خراش ها در حین ســاخت آن ها، با این حال با ساخته شدن تعدادی از این ســاختمان ها کم کم اشتباهات پیش بینی نشده ای به وجود آمد و انتقادات وارد شده به این ساختمان ها بالا گرفت.

طرح جامع وچارچوب توسعه :یکی از پدیده های شگرف طراحی تجدد گــرا، طراحــی در مقیاس کل شـــهر و با دربرگرفتن کل پارامتر های دخیل در طرح است. این طرح ها به طور همه جانبه، با فراپوشـــی کل شـــهر و با عنوان مشهور طرح جامع ارائه می شوند. در واقع می توان چنین بیان کرد که اصلـــی ترین ایده ی مکتـــب تجدد در مورد توســـعه که می توان آن را ایده ای تحول آفرین دانست، نگرش جامع به شهرها و تاکید بر لزوم تهیه ی طرح جامع برای شـــهر ها، فارغ از چند وچون اجرایی آن است. نظر طراحان تجدد گرا بر این اســـت که این طرح شهری باید در سلســـله مراتبی از طرح های ملی، منطقه ای و جزیی تر قرار گیرند. [۲] در نظر آنها لازم می نمود که تمامی شهر ها از طرح جامـــع برخوردار بوده و این طـــرح ها بر مبنای داده پردازی ویژگی های جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی محدوده ی مورد بررسی ارائه شوند. اما در عمل بسیاری از این اصول فدای ذهنیات شـــد [۳] و به علاوه این طرح ها به خاطر کلی بودن و عدم انعطاف، اغلب با شکســـت روبه رو شدند.

منطقه بندی:یکـــی از مضرترین ایده های شـــهری که توسط نهضت متجددین در شهر سازی مطرح شد، ایدهی تقسیم شهر به بخش ها و کاربری های متفاوت بود. مثلا متجددین توصیه می کنند که مناطق مســـکونی باید در میان پارک ها و فضاهای ســـبز قرار گرفتـــه و از کاربری های دیگر به خصوص کاربری های مزاحم و ناســـازگار صنعتی و تجاری به وســـیله ی کمربندی جدا شود. تنها تعداد خاصی از کاربری های غیر مســـکونی مثل مدرسه ،کودکستان و مرکز محله مجاز بودند در مناطق مسکونی جای بگیرند.کاربـــری های دیگر شـــهری نظیر صنایع سنگین، صنایع سبک، فعالیت های تجاری، آموزشی و... نیز هریک می بایســـت در جای مشخص و از پیش تعیین شده ی خود قرار گرفته باشـــند. در این طرح های تجدد گرایانه، هیچ گونه مجاورتـــی بین واحد های خرد و دارای عملکرد های متفاوت دیده نمی شود.

در مورد منطقه بندی نکته ی حائز اهمیت اینجاســـت با وجود اینکه کاربری هایی در شـــهرها وجـــود دارند که به علت ماهیت خاصشان طبعا با یکدیگر سازگار نبوده و باید از هم جدا شوند– نظیر کاربری مســـکونی و صنعتی– اما باید توجه داشت که این نکته در مورد همه ی کاربری ها صدق نمی کند چرا که مهم ترین و با ارزشـــترین کیفیت و خصوصیتی که شـــهر ها قبل از تهاجـــم متجددین دارا بودند، همان تنوع بی حد آنها بـــود. به این ترتیب که یک بلوک شهری حتی یک ســـاختمان واحد مجموعه ای از فعالیت هـــای گوناگون نظیـــر واحد مســـکونی، کارگاه، فروشـــگاه، مدرســـه، اداره، مراکز مذهبـــی، تئاتر، عمده فروشی، رســـتوران و ... را در خود جای دهد. این کیفیت امروزه هم قابل دفاع اســـت، چرا که امروز هم یک بلوک شهری مطلوب، انسانی و زنده جایی است که مخلوطی از فعالیت های متنوع در کنار یکدیگر محیطی سالم و فعال و کامل برای فعالیت های انسان فراهم آورند.

استاندارد گرایی و انبوه سازی

متجددین که به شـــدت حامی یکنواخت کردن فرم ها و فضاهای زیست بوده و هرگونه تنوع و تفاوتی را برخلاف اصول طراحی خود می دانستند، سعی در ایجاد استاندارد هایی کردنـــد تا کلیه ی اجـــزاء و عناصـــر زندگی فردی و جمعـــی را در همه جا تحت یک نظم و نظام ماشـــینی و مکانیکی واحد درآورند. اســـاس اینگونه اســـتانداردها بر یکسانی و یکنواختی اجتماعی و تولید انبوه تکنولوژیکی اســـتوار بود و به این ترتیب هرگونه تفاوت های انســـانی و فرهنگی را مضـــر و غیر معقول می دانســـت تا آنجا که لوکوربوزیه معتقد به وجود آوردن روح تولید انبوه در همه ی جوانب و ابعاد زندگی بود. خاصیت تولید انبوه مهم تر از همه در ارزانی و همســـانی آن است و این خود کافی است که در کمترین مدت ممکن همه چیز را اســـتاندارد کند و معنی این تولید انبوه این است که همه ی انسان ها صرف نظر از علایق، خواست ها و اعتقادات و فرهنگ و گذشته ی خاص خود باید محکوم به زندگی در فضاهایی باشـــند که متوســـط جهانی و متخصصین غربی حکم می کنند. بدیهی است که این نظریات تا وقتی که فقط بر روی کاغذ باشند به نظر بســـیار معقول و منطقی می رسد. زیرا هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اداری کامـــلا قابل توجیه می باشد، لیکن متاسفانه با استفاده از همین ایده به ظاهر ساده و معقول است که شهر ها به وخامت کشیده شده اند.

فضاهای سبز وسیع

لوکوربوزیه درطرح شهر معاصر خود، میان ساختمان های

۱ لوکوربوزیه ص۲۳
۲ همان، ص ۳۲
۳ حسین بحرینی و بهناز تقابن، همان

بلندی که فاصله ی زیادی از هم دارند، فضاهای سـبز و وسیع را در نظر گرفت. وی ترکیب این محیط سرسبز را با آسمان خراش ها را برج در مزرعه نامید.
اســتفاده بیش از حد از فضاهای باز به این دلیل است که مکتب تجدد، پاکیزگی و بهداشــت را از آرمان های خود دانسته و پارک ها راه حلی برای فشردگی خفقان آور شهر های اواخر قرن نوزدهم و عدم دسترسی مردم به فضاهای باز بیرون از آن ها می دید.
این نگاه منجر به خلق فضاهای سبز وسیع و طراحی شده در درون شــهرها شــد.[۱] با این حال این پارک ها نیز خود دارای مشکلات زیادی بودند چرا که در چنین فضاهای باز بزرگ امکان انجام انواع بزهکاری و جرایم وجود داشت.

سیستم ارتباطی

یکی از اشکالات عمده ای که به طرح های تجدد گرایان وارد می شود، فقدان فضاهای کوچکی است که مشوق و تسهیل کننده ی روابط انسانی باشد در واقع تجدد گرایان خیابان را به عنوان فاضلاب شهری به حساب می آوردند و بر این اســاس به دنبال حذف آن از چهره ی شهر بودند. در واقع خیابان در شهر سنتی، به مفهوم دسترسی در شهر تجدد تبدیل شــده و در نتیجه یکی از مهم ترین فضاهای عمومی شهر رنگ باخت.
علت این امر، تکیه ی تجدد گرایان برســهولت دسترسی سریع بود. بنابر رای ســیام (در منشور آتن) بزرگراه ها می بایست جانشین خیابان های سنتی می شدند.[۲]
لوکوربوزیه به ســیاق خود خیابان های ســنتی را نقد می کند و با بیانی مناســب بزرگراه ها را مناسب زندگی تجدد می داند. به عقیده ی متجددین خیابان چیزی به جز یک باریکه راه نیســت و هزاران سال اســت که قلب های ما، تحت فشار محصوریت دیوار های آن است.
اما در اتوبان ها هوا پاک و تمیز اســت و صدایی به گوش نمی رسد.۳ باید به این نکته دقت کرد که آنچه که در این طرح ها دیده نمی شــود خیابان به مفهوم واقعی آن است. فضائی زنــده، مهیج و پرتحرک یا بــه عبارتی مهم ترین فضاهای عمومی یک شهر.

تراکم

تجدد گرایی افزایش تراکم ساختمانی را پیشنهاد کرد. در واقع می توان چنین بیان کرد که یکی از اهداف اساســی بالا بردن تراکم و ایجاد شــهر عمــودی جلوگیری از زیر ساخت رفتن اراضی کشــاورزی اطراف شهر ها به منظور امکان تولید موادغذایی برای جمعیت رو به رشــد شهرها بوده اســت. همچنین با بالا بردن تراکم لازم است سطح فضاهای باز نیز افزایش یابد. راه حل ارائه شــده توســط تجدد گرایان بالا بردن ارتفاع ساختمان ها در سطح کمی از زمین است. بنا بر پیشنهاد ارائه شده توسط منشور آتن، می بایست فقط ۱۵ درصد از سطح زمین را به ساختمان ها و باقی را به عرصه عمومی اختصاص داد [۴]

مقیاس

در سال های آغازین قرن بیستم مطالبی در تجدد مطرح شد که تا مدت ها بر معماری و شهرسازی تاثیر داشت و آن عدم طراحی بر مبنای طرح هــای کوچک بود. به این ترتیب بود که شهرسازی تجدد گرا شعار هرچه بزرگتر، بهتر را انتخاب کرده و بــه دنبال اجرای طرح های بزرگــی در مقیاس کل شهر و حتی منطقه شهری برآمد.۵
موضوع مقیاس در طراحی شهری تجدد گرا در این دوره از دو جنبه قابل بررسی است:
مقیاس طراحی ابنیه: در طراحی تجدد گرا ساختمان هایی طراحی و اجرا می شد که در مقایســه با نمونه های پیشین، ابعاد به مراتب بزرگتری داشــتند. خارج از فضای واقعیت و در عرصه ی تخیل تجدد گرایان، ارتفاع این ســاختمان ها گاهی به ســه هزار متر (نظیر ساختمان بابل تودی، طرح خیالی پائولوسالری) نیز می رسید. مقیاس طراحی اجزا: در این زمینه طرح ها، از مقیاس انسانی (با تعبیر تجددگرایانه) پیروی می کردند. تلاش می شــد که همــه چیز برپایه ی ابعاد بدن انسان طراحی شــود. ۶ایران یکی از کشورهایی است که پذیرای نوسازی و نوگرایی بود که ورود آن مصادف با حکومت قاجاریه می باشــد. اگرچه در دوران قاجار گرته برداری هایی در این زمینه صورت گرفت و بناهایی جدید با معماری مدرن ساخته شــد و خیابان تا حدودی جای خود را در کالبد شهر باز می کرد، اما در دوران پهلوی اول بر شدت نوسازی و تغییر شکل ساختاری شهر افزوده گردید.
در اینجا به بررسی تغییر شکل شهر مشهد بر اثر رواج تفکر مدرن در پایتخت کشور، یعنی شــهر تهران در دوران رضا شاه می پردازیم.

شهر مشهد در دوران رضا شاه:

۱ لوکوربوزیه، ص ۱۷
۲ حسین بحرینی و بهناز تقابن، ص ۱۱۰
۳ لوکوربوزیه، ۳۲
٤ بحرینی، ۱۱۳
٥ حسین بحرینی و بهناز تقابن، ص ۱۱۴
٦ شوای، ۸۳

رضاخان به تدریج در طی چند سال بر اهرم‌های قدرت مسلط شد و اقدامات وسیعی برای ایجاد یک حکومت مرکزی قوی و تضعیف و نابودی قدرت‌های محلی انجام داد. فعالیت‌ها و کارهایی که او از یک سو، تحت تأثیر جریان نهضت نوسازی (مدرنیزاسیون) در برخی از شهرها؛ و از سوی دیگر، در پی اجرای خط‌مشی‌ها و برنامه‌های هدایتی کشور استعمارگر انجام داد موجب بسط و نضج انگاره های مدرنیته در کشور شد. برای جاری شدن مداخلات ارادی این تفکر در شهر خلاءهایی وجود داشت: نیاز به مجری، نیاز به منبع مالی، نیاز به متخصص، نیاز به قانون و نیاز به طرح. بلدیه ارگانی بود که در سال ۱۳۰۰ در پاسخگویی به این ضرورت ها آغاز به کار کرد. برای تأمین بودجه طرح های شهری، قانون مالیات مستغلات در سال ۱۳۰۹ به تصویب رسید. همان سال مالیات وسایل‌نقلیه افزایش یافت.[1] نظارت بر ساخت و سازها در این دوران شکل گرفت و بلدیه به عنوان متولی امر عهده دار این مهم گردید؛ به طوری که در سال ۱۳۰۳ شمسی بلدیه شهر دکاکین روی نهر پایین خیابان را خراب نموده و اشجار کهن را قلع و مجددا در حواشی نهر درختکاری نمودند و پایین خیابان به خیابان رضوی موسوم شد. در سال ۱۳۰۸ نیز دکاکینی که از دو طرف خیابان جلو آمده بودند خراب شد و خیابان همان عرض اصلی خود را پیدا کرد و از اوایل سال ۱۳۱۳ از طرف اداره بلدیه دو طرف نهر سنگفرش و مرمت شد و در خارج دروازه بالا خیابان میدان وسیعی احداث گردید[2] در این دوره طرح شهرسازی مدون و مشخصی –مانند آنچه در تهران صورت گرفت- به منظور برنامه ریزی و پیش بینی توسعه آتی شهر انجام نشد. اگرچه خیابان ها و کاربری های جدید و مفاهیمی نظیر منطقه بندی و بافت شطرنجی شکل گرفت. خیابان شاهرضا در سال ۱۳۰۷ توسط اداره آستان قدس خیابان پهلوی خیابان خسروی در سال ۱۳۰۹ از طرف اداره بلدیه احداث گردید. خیابان خسروی خیابان شاهرضا و پهلوی را به هم متصل می کرد.[3]

تا پیش از این دوران شهر مشهد دارای محوری به نام بالا خیابان و پایین خیابان بود. (نقشه ۱) که با توسعه حرم مطهر و رشد جمعیت پاسخگوی نیازها نبود. در سال ۱۳۰۸ به جهت ارتباط بالا خیابان و پایین خیابان، خیابان فلکه شمالی و خیابان فلکه جنوبی ایجاد گردید هم چنین منازل و کاروان سراهای زواری نامناسب که در جوار آستان مقدس رضوی واقع شده بود به عمارات دو طبقه زیبا و زوارخانه های مناسب تبدیل شد و قسمتی از قبرستان قتلگاه که کانون امراض بود جزو خیابان فلکه شمالی گردید و بقیه آن تسطیح و به باغ رضوان مبدل شد.[4](تصویر ۱)



تصویر ۱: خیابان فلکه[5]



نقشه شماره ۱: شهر مشهد در سال ۱۲۷۶[6]

۱ کامران صفامنش، تحولات معماری و شهرسازی در فاصله سال های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲ (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰) ص ۲۵۹.

۲ محمد تقی مدرس رضوی، مشهد در آغاز قرن ۱۴ خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور، تصحیح مهدی سیدی (مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۶) ص ۵۱

۳ رضوانی علیرضا،مشهد در جستجوی هویت شهری(تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴) ص ۲۵۵

۴ مدرس رضوی، ص ۵۷

۵ رضوانی، ص۲۵۳

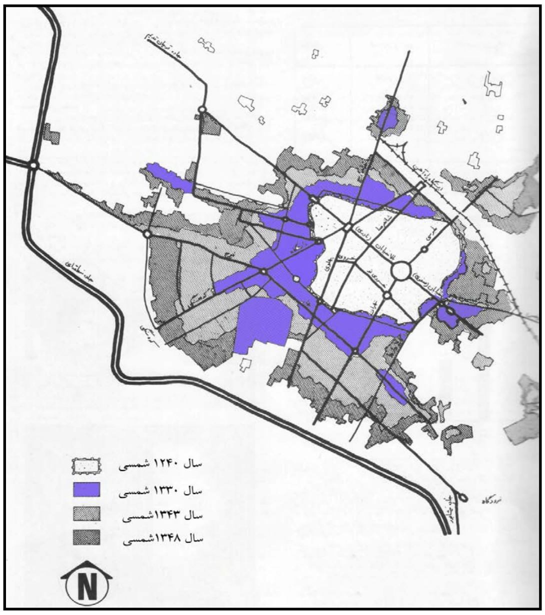
۶ مدرس رضوی ص ۴۲

از سال ۱۳۰۹ ایجاد خیابانی به نام طبرسی از وسط فلکه شمالی مطرح گردید که از محله نوغان عبور کرده و به خارج شهر منتهی می شود.[۱]

در سال ۱۳۱۱ یکی از آبادترین و زیباترین خیابان های شهر به نام خیابان تهران ایجاد شد. در این خیابان قسمتی از قبرستان عیدگاه (محل میدان بیت المقدس کنونی) که در مسیر این خیابان واقع شده بود از طرف اداره بلدیه تسطیح و به نام میدان فردوسی خوانده شد. در وسط میدان حوض بزرگی احداث گردید. این خیابان و میدان برای محله عیدگاه که نه دارای تفرجگاه بود و نه معابر وسیعی داشت که با سایر محلات به سهولت ارتباط داشته باشد نهایت ضرورت را داشته است.

این خیابان و خیابان طبرسی یکی از مشخصه های دولت پهلوی است که در شهر های ایران ایجاد شدند. احداث دو خیابان عمود بر هم و تاکید بر میدان از ویژگی های شهرسازی این دوره می باشد. محور خیابان ارگ (امام خمینی فعلی) در سال ۱۳۰۷-۱۳۰۹ شمسی به طوری احداث گردید که از ارگ شروع و پس از تقاطع با بالاخیابان به خواجه ربیع برسد و در تقاطع بالا خیابان زمینه ساز احداث میدان شاه (شهدا فعلی) شد. با احداث خیابان دانشگاه و اتصال آن به این میدان یکی از مهم ترین میادین شهر شکل گرفت.با ایجاد و استقرار بناها و فضاهایی مانند بانک ملی، اداره دارایی، هلال احمر، شهرداری، ستاد ارتش، پست و تلگراف، ثبت، چهار طبقه، باغ ملی و میدان ارگ این محور را به یکی از محورهای حیاتی و کارای شهر در غالب دو عملکرد اداری و تفریحی تبدیل نمود به طوری که ارگ در روز محل انجام کارهای دیوانی و دولتی و شب مکانی برای تفریح بود.[۲] نقشه شماره ۲ خیابان های احداث شده در شهر و رشد و توسعه کالبدی شهر را در دوران رضا شاه نشان می دهد.

با توجه به ایجاد خیابان های جدید و تخریب منازل برخی شهروندان در این طرح ها و هم چنین حضور افراد غیربومی برای سکونت در مشهد و ایجاد کاربری هایی نظیر پادگان، راه آهن، کارخانه ها و کارگاه ها در حاشیه شهر، شهر از مرکز به سمت غرب و جنوب غربی که هوای بهتر و آب فراوان تر داشت توسعه یافت. به طوری که جمعیت و وسعت شهر از حدود ۴۵ هزار نفر و ۷,۵ کیلومتر مربع در سال ۱۲۷۰ شمسی به حدود ۱۷۶ هزار نفر و ۱۰,۴ کیلومتر مربع در سال ۱۳۱۹ شمسی افزایش یافت.[۳]



نقشه شماره ۲: نقشه خیابان ها و توسعه شهر مشهد تا تاریخ ۱۳٤۸[٤]

علاوه بر ایجاد و تعریض خیابان ها، کاربری های جدید و نو در شهر ایجاد می شوند که نشانگر حرکت نوگرایی شهری می باشند. کاربری هایی نظیر تلگرافخانه، پست خانه. درسال ۱۳۰۴ در قسمتی از ارگ، باغ ملی و در قسمت دیگر عمارت تلگراف خانه و پست خانه احداث می شود.[۵]

همچنین ساخت بیمارستان امام رضا (ع) در سال ۱۳۱۳ شمسی و دانشکده پزشکی در سال ۱۳۱۸ کارخانه نخریسی در سال ۱۳۱۳ شمسی، کارخانه قند آبکوه در سال ۱۳۱۴ شمسی نشان از نگاه مترقیانه و البته از بالا به پایین طبقه حاکم دارد.

توجه به شبکه های ارتباطی نیز یکی دیگر از دغدغه های این دوره است. راه آهن تهران مشهد از سال ۱۳۱۸ شمسی و در زمان سلطنت رضاخان آغاز گردید که بعدها به وسیله محمدرضا شاه افتتاح شد.[۶]

آنچه بیان گردید ویژگی ها و تغییرات بارز کالبد شهر مشهد در این دوره می باشد. البته رویکردهای مدرنیستی در دوره رضا شاه آغاز می گردد و در دوران پهلوی دوم به اوج خودش می رسد. شهر در این دوره محمل تغییرات کالبدی بدون احترام بر بافت قدیم می باشد.

در کنار مجموعه حرم مطهر به عنوان مرکز کالبدی و

---

۱ همان، ص ۵۸

۲ رضوانی، ص ۲۵۴

۳ رهنما محمد رحیم، شناسایی و وجه تسمیه معابر، محلات و اماکن عمومی بافت قدیم شهر مشهد (مشهد: انتشارات سخن گستر، ۱۳۹۰) ص ۲۲

٤ وزارت مسکن و شهرسازی، طرح جامع مشهد ۳، قسمت اول بررسی وضع موجود شهر مشهد (مشهد: بی جا، بی تا) ص ۳۵

۵ مدرس رضوی، ص ۶۹

٦

بررسی انگاره های نوگرایی شهری و نمودهای آن...| ۴۹

اجتماعی شهر، مراکز دیگری ایجاد می شود. خیابان ارگ، میدان شاه نمونه ای از جریان نوسازی می باشد.

نتیجه گیری

دوران مدرنیسم با همه ی ویژگی های منحصر به فرد خود دارای اثرات بسیاری است که به شدت چهره ی شهرهای ما را تغییر می دهد. مفاهیم جدیـــدی نظیر منطقه بندی، بافت شـــطرنجی و یکســـان ســـازی در نظام شهرسازی خودش را نمایان می کند. نوگرایی با توجه به این مفاهیم نمودهای خودش را در شـــهر می یابد: آسمان خراش ها، منطقه بندی، تدوین طرح جامع، تراکم و سیستم ارتباطی نمونه ای از مشخصات این شهرها می باشد.

در ایران؛ اگرچه از اواخر دوره قاجار تحولات محسوسی در شهر شروع شده بود ولی در زمان ســـلطنت پهلوی به اوج می رسد. رضا شاه تنها راه پیشرفت را در شبیه کردن کشور به حکومت و شهرهای غربی می دانســـت و راه حل ها را فقط در نمودهای کالبدی جست و جو می کرد آن هم بدون توجه به لزوم فرهنگ سازی و آماده نمودن بسترها و هیچ انعطافی در این زمینه نداشت.

شهر مشهد به عنوان یکی از شهرهای مهم کشور پذیرای تغییراتی محســـوس در بافت خود می گردد. اگرچه مشهد در دوران رضا شاه به اندازه شهر تهران ردای نوگرایی را به تن نمی برد اما با ایجاد تغییراتی در شـــهر، سازمان شهری را تا حدودی تغییر می دهد. مهـــم ترین تحولات کالبدی ساختاری شهر مشهد را در این دوره می توان احداث فلکه یا خیابان پیرامون حرم دانست.

اولین تفکرات منطقه بندی در احـــداث خیابان ارگ دیده می شـــود. احداث این خیابان در حد فاصل ارگ حکومتی قدیم تـــا بالا خیابان و امتـــداد آن تا خواجـــه ربیع یکی از بزرگترین عناصر شـــاخص ادارای و خدماتی دوره مدرن شـــهر مشـــهد را پدید آورد که با توجه به ایجاد ساختمان های اداری نظیـــر بانک ملی، اداره دارایـــی، هلال احمر، شهرداری، ستاد ارتش، پست و تلگراف، ثبت و چهار طبقه هسته اداری و دیوانی شهر را تشکیل می دهد.

یکی دیگر از اتفاقات این دوران به صلیب کشیدن شهر ها می باشـــد. این الگو فارغ از مکان، چهره سراسر شهرهای کشور را مصلوب می نمایند. در مشـــهد مقدس به منظور تقویت ارتباطات – که یکی از کارکردهای شهر مدرن می باشـــد– و اصلاح بافت پیرامون حرم فلکه ای در اطراف مجموعه ایجاد شـــد و با ایجـــاد خیابان های شـــمالی و جنوبی منشـــعب از فلکه (خیابان طبرسی و خیابان تهران) دسترسی های مناســـب به مجموعه حرم مطهر به وجود آمد.

ایجـــاد فضاهای ســـبز که یکـــی دیگـــر از ویژگی های شهرهای مدرنیستی می باشد در مشهد با ساختن باغ ملی در ارگ خودش را نمایان می شازد.

ایجاد ساختمان هایی با ســـبک نو و با گرایش به معماری مدرن اروپایی در این دوران رواج یافت. طرح های معماری جای خود را به الگوهای اروپایـــی داد. کلاه فرنگی جای نورگیر و ســـقف شیروانی جای ســـقف گنبدی و خشتی را گرفت. معماری پیوسته و هماهنگ حاشیه خیابان ها کم کم به احداث بناهایی به صورت گسسته انجامید.

به طور خلاصه در این دوره ســـه عنصر شـــاخص شهری هدایت رشد فیزیکی شهر مشهد را به عهده داشتند: خیابان (محور پایین خیابان و پایین خیابان)، فلکه (مجموعه حرم مطهر و میدان اطراف آن) و ســـاختمان هـــای دولتی و یا خدماتی که در موقعیت های بسیار مناسبی در شهر ساخته شده بودند.

برخی ویژگی های نوگرایی در دوره پهلوی دوم در شـــهر نمود می یابد. تدوین طرح جامع، احداث آسمان خراش ها و توسعه شهر از سال ۱۳۳۰ به بعد می باشد.

همانطور که بیان گردید اندیشه نوگرایی در غرب در پاسخ به مشکلات و مسائل ناشی از انقلاب صنعتی ایجاد گردید و این اندیشـــه در محیط بومی خود سیری درونی، تحولی منطقی و تداومی تاریخی پیموده اســـت، ولـــی در ایران ســـیری برونی دارد که نمی‌تواند تحولی منطقی و تداومی تاریخی را منجر گردد. در این طرز تفکر شـــهر گذشـــته و محله های قدیمی به عنوان مشـــکل اساســـی تلقی شده و مورد مداخله قرار می گیرند. ایـــن تداخل بدون توجه به ارزش ها و اصالت بافت می باشد.

فهرست منابع:

اجلالی، پرویز و دیگران. نظریه برنامه ریزی دیدگاه های سنتی و جدید، تهران: نشر آگه، ۱۳۹۱.

بحرینی حسین، تجدد فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۷.

بحرینی، حسین و بهناز تقابن، تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸.

بنه ولو، لئوناردو. بنیادهای شهرسازی مدرن، ترجمه مهدی کوثری. تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۵۸.

بهنام، جمشید. تمدن و تجدد، تهران: نشر دانشگاهی ، ۱۳۸۲.

پاکزاد جهانشاه، سیر اندیشه ها در شهرسازی از آرمان تا واقعیت، ج ۱، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی،۱۳۸۶.

جابری مقدم، مرتضی. شهر و مدرنیته، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.

رضوانی، علیرضا. مشهد در جستجوی هویت شهری، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.

رهنما، محمد رحیم. شناسایی و وجه تســمیه معابر، محلات و اماکن عمومی بافت قدیم شهر مشهد ،مشــهد: انتشارات سخن گستر، ۱۳۹۰.

شکویی، حسین. اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، ج ۱، تهران: نشر گیتا شناسی، ۱۳۸۰.

شوای، فرانسواز. شهرسازی تخیلات و واقعیات، ترجمه محسن حبیبی. تهران: نشر دانشگاهی ۱۳۸۴.

صفامنش، کامران. تحولات معماری و شهرسازی در فاصله سال های ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲ ،تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰.

کهون، لارنس. از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.

لانس جی، براون و دیگران. طراحی شــهری برای قرن شــهری مکان ســازی برای دیگران، ترجمه حســین بحرینی. تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۹.

لوکوربوزیه، منشور آتن، ترجمه محمد منصور فلامکی. تهران: نشر فضا، ۱۳۸۵.

مزینی، منوچهر. از زمان و معماری، تهران: نشر مطالعات معماری و شهرسازی، ۱۳۸۲.

وحدت زاد، وحید. تاملی بر شهرسازی دوره پهلوی اول فصلنامه هنرهای زیبا، ش ۳۱، ۱۳۸۶.

مدرس رضوی، محمد تقی و دیگران. مشــهد در آغاز قرن ۱۴ خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شــاهپور، تصحیح مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۶.

وزارت مسکن و شهرسازی. طرح جامع مشهد ۳، قسمت اول بررسی وضع موجود شهر مشهد ، مشهد: بی جا، بی تا.